

جنایت علیه خلق کرد در پاریس

روز بیستم دی ماه 1391 سه تن از فعالین پ.ک.ک (حزب کارگران کردستان) در پاریس، در دفتر «مرکز اطلاعات کرد» به ضرب گلوله به قتل رسیدند. بدون شک قتل این سه زن یک اعدام سیاسی و در پی یک تصمیم گیری سیاسی بوده است. سکینه جانسیز تنها زن بازمانده از بنیان گذاران پ.ک.ک و از همکاران نزدیک عبدالله اوجلان (رهبر زندانی پ.ک.ک) 54 ساله بود. فیدان دوگان از اعضای برجسته ی این حزب و نماینده ی «حزب کنگره خلق»¹ در اروپا 29 ساله و لیلیا سولماز از فعالین سازمان جوانان پ.ک.ک 25 ساله بود.

این جنایت حس انزجار و خشم شدید مردم کردستان و نیروهای چپ و مترقی را در دیگر نقاط ترکیه و خاورمیانه برانگیخته است. در اعتراض به جنایت و در بزرگداشت جانباختگان، تظاهرات های بزرگی در شهرهای مختلف اروپا برگزار شد. در این تجمعات چشمان گریان با فریادهای «انتقام» در هم می آمیخت، انگشت اتهام به سوی دولت ترکیه و مشخصاً طیب اردوان (نخست وزیر ترکیه) نشانه می رفت و دستگاه امنیتی دولت فرانسه به عنوان همدست جنایت اعلام می شد.

اما هنوز سوال در اذهان باقی است که آمرین و عاملین این جنایت کیانند و در پس آن کدام مقاصد و منافع سیاسی پنهان است؟

ترور طی یک عملیات حرفه ای انجام گرفت که رد پای سازمان های امنیت دولتی در آن روشن است. گفتنی است که سکینه جانسیز و فیدان دوگان تحت نظر کامل دستگاه امنیتی دولت فرانسه بودند. در جهان تیره و مه آلود سرویس های امنیتی و معاملات سیاسی ماکیاولیستی میان دولت ها (و میان دولت ها و جنبش هائی چون پ.ک.ک) شاید هرگز معلوم نشود که در این اعدام زیرزمینی، دستان کدام یک از سرویس های امنیتی یا جوخه های مرگ دولت های ذینفع دخیل بوده است.

این جنایت در شرایطی رخ داد که دولت ترکیه مذاکرات رسمی با عبدالله اوجلان را آغاز کرده است. اوجلان در سال 1999 از سوریه بیرون رانده شد و سپس توسط ماموران اطلاعاتی ترکیه و اسرائیل از کشور کنیا ربوده شده و به اسارت دولت ترکیه در آمد. اولین بار نیست که دولت ترکیه وارد مذاکره با پ.ک.ک می شود اما نخستین بار است که مذاکرات به طور رسمی و علنی با شخص اوجلان صورت می گیرد.

دولت ترکیه بزرگترین متهم در قتل سه فعال زن پ.ک.ک است اما طیب اردوان تلاش کرده است از خود رفع اتهام کند و ترور را به «تسویه حساب درونی پ.ک.ک» یا «تحریکات» عوامل ضد مذاکرات در درون دولت ترکیه نسبت دهد.² اما «تسویه حساب درونی» دور از احتمال است زیرا هیچ یک از رهبران پ.ک.ک مخالف دست یافتن به صلح با دولت ترکیه از طریق مذاکرات نیستند. سکینه جانسیز نیز خود از موافقین مذاکرات و بخشی از آن بود.

کشایش مذاکرات مستقیم با اوجلان به هیچ وجه دولت طیب اردوان و حزب آکپ (حزب «توسعه و عدالت» که حزب حاکم در دولت ترکیه است) را از لیست متهمین خارج نمی کند. در هیئت حاکمه ی ترکیه سنتی معمول است که قبل از ترور شخصیت های سیاسی، سخنگویان مطبوعاتی نظام حاکم و نمایش های تلویزیونی آنان شروع به خلق افکار و تحریک جوخه های مرگ دستگاه امنیتی ترکیه می کنند. در شش ماه گذشته تبلیغات دیوانه وار دولت ترکیه علیه پ.ک.ک و اوجلان لحظه ای متوقف نشده است. یکی از این کارزارهای شنیع علیه پ.ک.ک و فعالین آن از سوی طرفداران فتح الله گولن که رهبر معنوی و سیاسی حزب آکپ است هدایت می شود.³ علاوه بر این، جناح های دست راستی سنتی در هیئت حاکمه ی ترکیه از «به بازی گرفتن» اوجلان از سوی دولت ترکیه خشمگین هستند. به همین جهت عده ای از تحلیل گران حزب حاکم، قتل سه تن را به جوخه های مرگ آنان نسبت می دهند. شوونیست های ترک که «طرح بزرگ» بازگشت ترکیه به دوران امپراتوری عثمانی را در خیال می پروراندند پ.ک.ک را مانعی عمده در این راه می بینند. آنان می گویند بازی پ.ک.ک در میان گسل ها و شکاف های میان دولت های منطقه فرصت هائی را که به ترکیه روی کرده است تا تبدیل به امپراتوری عثمانی جدید در خاورمیانه شود، می سوزاند. پ.ک.ک با جمهوری اسلامی معامله می کند، از طریق اعلام اتحاد با «طرح خاورمیانه بزرگ» جورج بوش در کردستان عراق برای خود پایگاهی دست و پا کرده است، و در تابستان گذشته در اوج جنگ داخلی در سوریه با رژیم بشار اسد وارد بده بستان شد. با عقب کشیدن نیروهای اسد منطقه کردستان عملاً در اختیار نیروهای نزدیک به پ.ک.ک قرار گرفت. به یک کلام پ.ک.ک با استفاده ی موثر از گسل ملی درون ترکیه و تضادهای منطقه ای خود را بالا کشیده و تبدیل به یک معامله گر سیاسی و یک پای انکار ناپذیر بده بستان های سیاسی بزرگ در منطقه کرده است. مرتجعین بزرگ از ورود این بازیگر به بساط خود چندان خرسند نیستند.

عده ای از تحلیل گران، این ترور را به قتل شاپور بختیار در پاریس مانند کرده و تلویحا آن را به ایران نسبت داده اند. مسعود بارزانی نیز از دولت فرانسه خواسته است که هرچه سریع تر قاتلین را بیابد. اما این حرف ها شگردهای

دیپلماتیک است برای پنهان کردن واقعیت ها. هنگامی که سوال شود چه کسانی در ضربه زدن به پ.ک.ک و در نهایت قربانی کردن آن نفع دارند علاوه بر دولت ترکیه و جناح های مختلف آن پای همه قدرت های ارتجاعی منطقه به میان می آید زیرا آن چه به «حل مسئله ی پ.ک.ک» موسوم شده است در بر گیرنده ی تغییرات سیاسی و چه بسا جغرافیائی- سیاسی بزرگ در منطقه است.

مذاکره با پ.ک.ک

از میان برداشتن جنبش کردستان از پیش شرط های تحقق نقش ترکیه به عنوان ژاندارم امپریالیست های غربی در خاورمیانه است. و مذاکرات صلح با پ.ک.ک این هدف را دنبال می کند. به ویژه آن که دولت ترکیه در پیش برد طرح دخالت نظامی در سوریه با مانع پ.ک.ک در داخل سوریه و در مرزهای خود روبروست. (برای اطلاعات بیشتر به مقاله ی ترکیه ژاندارم جدیدی در خاورمیانه در نشریه حقیقت شماره 55 و مقاله ی گسترش جنگ داخلی در سوریه ... دورنمای تشکیل کشور کردستان در حقیقت شماره 60 رجوع کنید.)*

حزب آکپ پس از رسیدن به قدرت و به ویژه از سال 2007 مبلغ سیاست به رسمیت شناختن ملت کرد و رسیدن به شراکت سیاسی با بورژوازی کرد بوده است اما ادامه ی جنگ علیه پ.ک.ک، سرکوب طرفداران آن و زندانی کردن نمایندگان پارلمانی پ.ک.ک نیز جزئی لاینفک از این سیاست بوده است. دولت ترکیه مانند هر دولت ارتجاعی دیگر برای نابود کردن جنبش های انقلابی و مترقی هم از «چماق» سرکوب نظامی و امنیتی استفاده می کند و هم از دادن «شیرینی» امتیازاتی که جنبش ها را از مضمون اجتماعی مترقی شان خالی کرده و آن ها را تبدیل به حلقه ی داری به دور گردن توده های تحت ستم و استثمار می کند که با امید به تغییر شرایط خود به پا خاسته اند. برای دولت ترکیه نتیجه ی مطلوب و دلخواه «صلح» با پ.ک.ک مسخ شدن و افت جنبش مردم کردستان ترکیه است. مذاکرات مستقیم با اوچلان قرار است نقش خاموش کردن این آتش شعله ور را بازی کند و اوچلان به عنوان معمار سازش بزرگ با دولت ترکیه قلمداد شود. هدف از مذاکرات به زبان دیپلماتیک رسیدن به «صلح نهائی» با پ.ک.ک اعلام شده است اما در قلب آن «خلع سلاح نهائی» پ.ک.ک قرار دارد. شرایط اولیه ای که مورد مذاکره است عبارتست از بازگشت عده ای از فرماندهان نظامی پ.ک.ک از کردستان عراق به ترکیه و انتقال 50 تن دیگر از آنان به کشورهای اروپائی. همین یک فقره نشان می دهد که دست سرویس های امنیتی همه ی دولت های ذینفع در این «مذاکرات صلح» دخیل است.

سخنگویان علنی پ.ک.ک طی اظهار نظرات مختلف گفته اند که این ترور سیاسی را مانعی در مقابل تداوم روند مذاکرات صلح نمی دانند زیرا رسیدن به صلح نهائی ضرورت زمانه است! گفتنی است که نماینده ی دولت ترکیه در این مذاکرات یک هیئت امنیتی است اما طیب اردوان نیز در برخی ملاقات ها حضور می یابد.

زن بودن سه نفر ترور شده «تصادفی» نیست و دارای پیام سیاسی مهمی است زیرا بیداری زنان و ورود فعالانه ی آنان به مبارزه سیاسی و نظامی یکی از شاخص های جنبش خلق کرد بوده است؛ امری که نه حزب اسلامی حاکم در ترکیه بر می تابد، نه جایی در طرح های «ثبات آفرین» امپریالیسم آمریکا در کشورهای منطقه دارد زیرا اتحاد با اقشار اسلام گرای طبقات بورژوازی کشورهای منطقه یکی از ستون های طرح های «ثبات آفرین» آن است. بورژوازی کرد نیز کاملاً آماده است تا آزادی و برابری زنان را قربانی ادغام شدن در ساختارهای قدرت دولتی کند - همان طور که در مورد بورژوازی کرد در کردستان عراق دیدیم.

درس های این واقعه برای همه ستم دیدگان و استثمار شوندهگان منطقه همان درس هائی است که باید از تجربه های تلخ گذشته گرفت هنگامی که جنبش های آزادیبخش با هدف کسب جایی در چارچوب همان نظام حاکم قدم در دالان های مرگبار معامله با دولت ها گذاشتند. هنگامی که عده ای قلیل از کمونیست های انقلابی به «قرارداد اسلو»* اعتراض کردند اکثریت ناظرین فکر نمی کردند که «قرارداد اسلو» نه تنها اسارت ملت فلسطین را پایان نخواهد داد بلکه به پایان جنبش آزادی بخش فلسطین به عنوان یک جنبش مردمی و حتا زهرآشام کردن رهبر تاریخی آن، عرفات ختم خواهد شد. هنگامی که راه استقرار «حکومت اقلیم کردستان» در عراق با تانک های آمریکائی حدادی و این «اقلیم» تبدیل به پایگاه عملیاتی سرویس های امنیتی اسرائیل، آمریکا، فرانسه، ایران و ترکیه و هر دولت مرتجع دیگر شد، باور عموم بر آن بود که ملت کرد به حق خود رسیده است. آن زمان باور عمومی ندید که یکی از میوه های تلخ این گونه حق گرفتن ها اوج گیری قتل های ناموسی و بسیاری امراض اجتماعی دیگر خواهد بود. انتقام خون این سه زن و خون های بی شمار دیگر را فقط با طرد این گونه «راه ها» و افق ها می توان گرفت. این «راه» ها و افق ها بازتاب منافع قشر کوچکی از ملت کرد است که برای اکثریت مردم انقیاد و استثمار را به بار می آورد. انتقام خون های بر زمین ریخته ی خلق را باید با گشودن راهی دیگر گرفت؛ راهی که هدفش ریشه کن کردن آن نوع نظام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است که حیاتش را با انقیاد ملت کرد، نسل کشی ارمنی ها و فلسطینی ها، با اسارت زنان و غارت دهقانان و کارگران این منطقه تضمین کرده است.

پانویس ها:

1 اطلاع بیشتر در مورد «کنگره خلق» به مقاله ای در نشریه حقیقت شماره 13 که در بخش آرشیو حقیقت در سایت حزب موجود است رجوع کنید.

<http://sarbedaran.org/archives/haghighat/haghighat13.pdf>

2 گفته می شود زمانی که خبر این ترور به اردوان داده شد (در هوایمائی که وی را از سنگال به ترکیه باز می گرداند) او گفته است: یا تسویه حساب درونی است و یا عملی است برای تحریک علیه مذاکرات. طیب اردوان برای رفع اتهام از خودش با پرسش از دولت فرانسه که چرا فرانسوا هولاند روز قبل از ترور این سه نفر، یکی از آنان (فیدان دوگان) را ملاقات کرده است.

3 به طور مثال ادنان حوجا که بلندگوی فتح الله گولن (رهبر دینی و سیاسی حزب آکپ که نفوذ گسترده ای در دستگاه پلیس و قضائی ترکیه دارد) در نمایش تلویزیونی خود اوجلان و فعالین پ.ک.ک را شایسته طناب دار اعلام کرد و گفت پ.ک.ک محصول تعلیمات شش تن است: مارکس، انگلس، لنین، استالین، مائو و داروین! وی معتقد است تعالیم مارکس تا مائو پ.ک.ک را تبدیل به نیروئی ملحد و کافر کرده و تعلیمات داروین به پ.ک.ک آموخته است که انسان همان حیوان است. این مبلغ کریه، سپس از این نظریه ی خود نتیجه گیری کرده است که «با حیوان باید مثل حیوان رفتار کرد.»

* لینک حقیقت 55 و 60 به ترتیب:

<http://sarbedaran.org/archives/haghighat/hagh60.pdf>

<http://sarbedaran.org/archives/haghighat/hagh55.pdf>

*قرارداد اول اسلو در سال 1993 با وساطت آمریکا، میان اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین امضاء شد. طبق این قرارداد نیروهای ارتش اسرائیل از بخش هائی از کرانه غربی و نوار غزه بیرون کشیدند و اداره ی این مناطق را بر عهده ی «آتورپته فلسطین» واگذار کردند که جوهر آن سرکوب مقاومت مردم فلسطین به دست یک حکومت فلسطینی بود.

حزب کمونیست ایران (مارکسیست- لنینیست- مائونیست)

آدرس های حزب:

www.sarbedaran.org

haghighat@sarbedaran.org